

لا اله الا الله محمد رسول الله

مقدمه

هر کس برای رسیدن به هر هدف و مطلوبی چه مادی باشد و چه معنوی در آغاز به آثار و نتایج آن مطلوب می‌اندیشد و سپس به نیروی در راه تحقق آن توجه می‌کند و در صدد تقویت آن نیرو اقدام می‌نماید. پس از آن حالت با عزم و تصمیم به تلاش در جهت رسیدن به آن می‌پردازد. از جمله چیزهایی که در راه تحقق و حصول آن هدف طبیعی است، دقت لازم در تهیه اسباب و لوازم کافی برای رسیدن به آن است و با انتخاب هدف و تهیه اسباب و لوازم کافی به کوشش و مجاهده می‌پردازد تا به آن هدف نائل شود. از باب مثال اگر انسان به هدف تحصیل علم و دانش یا کسب مال تلاش و کوشش می‌کند باید از استعداد لازم برخوردار باشد و استعدادش را در راه رسیدن به مطلوب به کار گیرد و آن را بیهوده مصرف نکند و تصمیم جدی بر تحصیل دانش داشته باشد و اسباب لازم یعنی ابزار تحصیل را فراهم کند و سپس با جدیت به تحصیل علم و کسب دانش یا ثروت اقدام کند. انسانی که به خدا ایمان آورده است باید توجه داشته باشد که مهمترین هدف و مطلوب او، وصول به قرب الهی از طریق شناسایی خدای سبحان و ارتباط صمیمانه با اوست. زیرا جز او چیزی صلاحیت و ارزش آن را ندارد که هدف و مطلوب انسان قرار گیرد و شایستگی آن را داشته باشد که انسان به عنوان انسان در راه او تلاش و فداکاری نماید از این رو لازم است پس از بیداری و لزوم حرکت در جهت آن هدف و مطلوب، عزم و تصمیم خود را به کار گیرد و با فراهم کردن اسباب و وسایل مناسب با آن هدف، تلاش‌ها و مجاهدات خود را به گونه‌ای تنظیم کند که آن‌ها وی را به مطلوب برساند و تحقق هدف از آفرینش او را هموار سازد. قرآن کریم در این رابطه فرمود: یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیله

لعلکم تفلحون؛^(۱) ای ایمان آورده‌ها تقوای الهی را رعایت کرده و از او پروا کنید (و با توجه به این که او ناظر بر شماست و شما در محضر او هستید از مخالفت با او پرهیز کنید و دستورهای او را اجرا کنید). و برای تقرب به او وسیله‌ای بجوئید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید. در این آیه از مؤمنان خواسته شد تا برای رسیدن به رستگاری و فلاح سه کار را انجام دهد:

- ۱- تقوای الهی را پیشه خود سازد.
- ۲- برای تقرب به خدا وسیله‌ای انتخاب کند.
- ۳- در راه خدا جهاد و تلاش کند.

یعنی در مرحله اول باید وقایه و سپری داشته باشد که نگذارد نافرمانی خدا به او برسد، گویا گناه تیری است که از سوی شیطان متوجه انسان می‌شود و آدمی با سپر تقوا مانع از اصابت آن تیر به خود می‌شود. زیرا شیطان در کمین است و به تعبیر قرآن (انه یراکم هو و قبیله من حیث لاترونهم)^(۲) او و همراهان او شما را می‌بینند از آن جهت که شما نمی‌بینید، او می‌بیند و ما او را نمی‌بینیم، باید سپر لازم را در دست داشته باشیم تا از خطر او در امان باشیم.

ابتغاء وسیله

آن چه که در این آیه مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد. موضوع انتخاب وسیله است که مؤمنان بعد از تحصیل تقوا باید به آن توجه کنند. وسیله در اصل به معنای تقرب جستن و یا چیزی است که باعث تقرب به دیگری از روی رغبت و میل باشد، راغب می‌گوید: کلمه وسیله به معنای دنبال کردن چیزی با میل است و حقیقت وسیله به سوی خدا، مراعات راه خدا یا علم و عبادت و دنبال کردن دستورهای پسندیده شرع است.^(۳)

- انسانی که به خدا ایمان آورده است باید توجه داشته باشد که مهمترین هدف و مطلوب او، وصول به قرب الهی از طریق شناسایی خدای سبحان و ارتباط صمیمانه با اوست



- انسانی که به
- افراد نیازمند و
- آبرومند
- خالصانه و با
- حفظ آبروی افراد
- نیازمند به
- صورت پنهانی
- صدقه می‌دهد
- موجب می‌شود
- گناهان او
- پوشیده شود و
- انسانی به
- صورت آشکار به
- منظور تشویق
- دیگران به
- کارهای خیر
- صدقه می‌دهد
- باعث می‌شود
- مرگ ناگهانی
- دفع گردد

مصادیق وسیله

اگر وسیله هر چیزی است که انسان را به خدا نزدیک می‌کند و مؤمن باید در طلب آن باشد، در روایات مصادیق فراوانی برای آن ذکر شده است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

۱- اطاعت خدا و اجرای فرمان‌های الهی

الف: علی علیه السلام در نهج البلاغه در خطبه ۱۱۰ فرمود: ان افضل ما توسل به المتوسلون الی الله سبحانه الایمان به و برسوله یعنی بهترین چیزی که به وسیله آن می‌توان به خدا نزدیک شد ایمان به خدا و پیامبر اوست. زیرا ریشه اصلی حرکت‌های سازنده و مثبت، ایمان است و به تعبیر دیگر: اساس و پایه تمام نیکی‌ها ایمان است و بدون آن هیچ گونه حرکتی به سوی فریض الهی و واجبات دینی وجود نخواهد داشت، ایمان به خدا انسان را به واجبات الهی و می‌دارد و ایمان به معاد انسان را از انجام محرمات الهی باز می‌دارد.

- جهاد در راه خدا

دومین وسیله، جهاد در راه خدا است؛ و جهاد فی سبیل فانه ذروه الاسلام؛ جهاد در راه خدا وسیله تقرب به خداست زیرا جهاد قله رفیع اسلام است. تا گفته نماند جهاد در این جا معنای وسیعی دارد که علاوه بر جهاد نظامی، شامل جهاد علمی و تبلیغی و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد با نفس و هر گونه تلاش و کوشش مفید و سازنده برای پیشبرد اهداف اسلامی است و با بیان فلسفه جهاد به عنوان قله رفیع اسلام، استفاده می‌شود جهاد در راه خدا باعث بقاء اسلام و رشد و بالندگی آن و وسیله عزت و سر بلندی جامعه اسلامی است و بدون جهاد، حیات مکتب اسلام تضمین نخواهد شد.

- اخلاص

یکی از وسایل تقرب به خدا کلمه اخلاص و شهادت به یگانگی خداست و کلمه الاخلاص فائده الفطره و کلمه هم‌هنگ با فطرت انسانی است یعنی عبودیت و الوهیت مخصوص ذات پروردگار است و آدم مؤمن باید هر گونه شرک و بت‌پرستی را نفی نماید و همه کارها را فقط برای او انجام دهد زیرا انسانی که به سراغ گناهان می‌رود و یا در برابر غیر خدا سر تسلیم فرود می‌آورد، چنین انسانی یا تسلیم شیطان شده و یا تسلیم هوای نفس خویش گشته است و تسلیم شدن در برابر شیطان یا هوای نفس یا بت، خلاف فطرت انسان است زیرا غیر خدا ارزش آن را ندارد که معبود انسان قرار گیرد.

- پریاداری نماز

یکی از وسایل قرب به خدا نماز است که حضرت فرمود: و اقام الصلوه فائده المله بریا داشتن نماز که حقیقت دین است زیرا نماز پایه اصلی دین و ستون خیمه آن است.

- زکات

یکی از وسایل تقرب خدا زکات است و ایتاء الزکاه فائده فریضه واجبه و ادای زکات که فریضه‌ای واجب است یعنی انسانی که بخشی از مال خود را برای هدف الهی جدا کند و آن را در اختیار نیازمندان جامعه قرار دهد در واقع تعلقش را از آن مال بریده و از این طریق خود را به خدا نزدیک ساخته است.

- روزه

یکی از وسایل تقرب به خدا روزه ماه رمضان است و صوم شهر رمضان فانه جنه من العقاب روزه ماه رمضان که سپری در برابر عقاب و کیفر است، از این که روزه را به عنوان سپهر عقاب معرفی کرده است برای آن است که سرچشمه اصلی گناهان و سوسه‌های شیطان و از ابزار شیطان، هوای نفس است. هنگامی که به وسیله روزه، شهوت در کنترل عقل در آید انسان با این وسیله دفاعی از حملات شیطان محفوظ می‌ماند. در واقع روزه انسان را از جهان بهایم خارج و به سوی فرشتگان می‌برد و او را به خدا نزدیک می‌کند.

- حج و عمره

حج و عمره نیز از وسایله‌های تقرب به خدا هستند و حج البیت و اعتماره فائدهما



ینفیان الفقر ویرحضان الذنب و حج و عمره خانه خدا که نابود کننده فقر و شستشو دهنده گناه است.

در کنار مراسم حج و عمره بازاریایی را جهت مبادلات اقتصادی به وجود آوردند و از این طریق بنیه اقتصادی کشورهای اسلامی را تقویت کنند و فقر را از کشورهای اسلامی بزدایند.

و اما تأثیر آن از جهت زدودن گناه برای آن است که حج و عمره تحولی در روح و جان انسان ایجاد می‌کند که آدمی به بازنگری اعمال پیشین خود پرداخته و از گناهان خود توبه کند و به گونه‌ای شود که گویا از مادر متولد شده است چنان چه فرمودند: یخرج من ذنوبه کهيئة یوم ولدته^(۱) انسان حاجی از گناهان خود پاک و خارج می‌شود مانند روزی که از مادر متولد شده است.

- صلح رحم

صلح رحم از اسباب تقرب به خدا است و صلح الرحم فائده مثره فی المال و منسأه فی الاجل صلح رحم که سبب فزونی مال و تأخیر اجل و سبب طول عمر است. تأثیر صلح رحم در فزونی مال به خاطر تأثیر برقراری پیوندهای خانوادگی در همکاری اقتصادی است و سبب طول عمر بودن آن به این دلیل است که اولاً با صلح رحم روابط خانوادگی برقرار و در مشکلات به همدیگر یاری می‌رسانند و ثانیاً نسبت به هم دعا می‌کنند و خود دعا سبب طول عمر می‌شود و ثالثاً با صلح رحم، نشاط و شادابی بر خانواده حاکم شده و غم و اندوه را کم می‌کند و همه این‌ها از اسباب طول عمر است.

- صدقه پنهانی و آشکار

یکی از اسباب تقرب به خدا صدقه پنهانی است و صدقه السر فائده تکفر الخطیئه و صدقه العلانیه فائده تدفع مینه السوء و صدقه پنهانی که کفاره گناهان است و صدقه آشکار که از مرگ‌های بد پیشگیری می‌کند.

یعنی انسانی که به افراد نیازمند و آبرومند خالصانه و با حفظ آبروی افراد نیازمند به صورت پنهانی صدقه می‌دهد موجب می‌شود گناهان او پوشیده شود و انسانی به صورت آشکار به منظور تشویق دیگران به کارهای خیر صدقه می‌دهد باعث می‌شود مرگ ناگهانی دفع گردد.

- هر کار خوب

یکی از اسباب تقرب به خدا انجام هر کار خوب به خلق و خدمت به خلق است و صنایع المعروف فائده تقی مصارع الهوان و کارهای خوب که از لغزش‌ها و شکست‌های خفت بار جلوگیری می‌کند. یعنی انسانی که اقدام به هر گونه کارهای خیر می‌کند و به اطاعت پرداخته و به خلق خدا خدمت می‌کند این عمل انسان را هم از شکست در از دست دادن امکانات و هم از شکست در ناحیه آبرو و حیثیت حفظ می‌کند یعنی کارهای خیر و خدمت‌رسانی به مردم و نیازمندان خواه خدمات فردی باشد و خواه خدمات اجتماعی، سبب پیشگیری از این نوع شکست‌ها می‌شود.

۲- قرآن

یکی از وسایلی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند و سبب شرافت و کرامت و منزلت در پیشگاه خدا می‌گردد قرآن کریم است امام سجاد(ع) در دعای ۴۲ صحیفه سجاده که به عنوان دعای ختم قرآن خوانده می‌شود فرمودند: واجعل القرآن وسیله لنا الی اشرف منازل الکرامه و سلما نعرج فیه الی محل السلامه و سببا نجرى به النجاه فی عرصه القیامه و ذریعه نقدم بها علی نعیم دارالمقامه خدایا قرآن را برای ما وسیله‌ای برای رسیدن به شریف‌ترین منزل‌های کرامت قرار ده و نردبانی که با آن به محل سلامت صعود و عروج کنیم و سببی که با آن در عرصه قیامت نجات پیدا کنیم و وسیله‌ای قرار ده تا با آن بر نعمت خانه اقامه یعنی قیامت قدم بگذاریم. در این فراز از دعا امام سجاد(ع) ضمن دعا در واقع اشاره می‌کند به قرآن به عنوان وسیله‌ای که آدمی با استفاده از آن و عمل به محتوای آن بتواند به قرب الهی نائل شده و به مقام واقعی انسانی صعود کند.

۳- امامان معصوم و اهلیت علیهم السلام

برخی روایات مصادیق و سیله را امام معصوم (ع) می داند چنان که پیامبر خدا (ص) فرمود: الاثمه من ولد الحسن (ع) من اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصی الله هم العروه الوثقی و هم الوسیله الی الله تعالی (۱) امامان، از فرزندان امام حسین (ع) هستند، کسانی که آن ها را اطاعت کنند خدا را اطاعت کرده اند. کسانی که آن ها را معصیت کنند خدا را نافرمانی کرده اند، آنان دستگیره مطمئن هستند و همانان وسیله ای برای تقرب به خدا هستند. در تفسیر علی بن ابراهیم نیز در تفسیر آیه آمده است: تقریبا الیه بالامام؛ (۲) با امام به خدا تقرب بجوئید. از این روایات استفاده می شود که توسل به امامان و وسیله قرار دادن آن ها برای تقرب به خدا امری مشروع است. حال بحث است که مقصود از این توسل چیست؟ به نظر می رسد پیروی از پیامبر و امام و گام نهادن در جای گام آن ها باعث تقرب به خدا می شود و به عبارت دیگر: توسل به ائمه معصومین و وسیله قرار دادن آن ها برای نیل به مقاصد دنیوی و اخروی از طریق کتاب و سنت ثابت است و ثابتهای برای وسیله قرار دادن آن ها هیچ گونه اصالت و استقلال قائل نشده بلکه تأثیر آن ها را متوقف بر اذن و مشیت الهی بدانیم چنان که شفاعت شفیعیان در درگاه الهی به اذن و مشیت الهی صورت می گیرد من ذالذی یشفع عنده الا باذنه (۳) کیست که در برابر او جز به اجازه و اذن او شفاعت کند، تأثیر گذاری افرادی که آدمی به آن ها متوسل می شود. نیز به اذن الهی انجام می گیرد. در قرآن کریم، توسل به اسماء الهی و صفات او در مقام دعا توصیه شده است و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها (۴) اسماء حسنا ویژه خداوند است پس خداوند را به وسیله آن ها به خوانید توسل به دعای صالحان که برترین نوع آن توسل به ساحت پیامبران و اولیای خاص او است تا برای انسان به درگاه الهی دعا کنند، در قرآن می فرماید: و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رجیما (۵) کسانی که بر خویشتن ستم کرده اند به سراغ پیامبر می روند و در آن جا هم خود طلب مغفرت و آمرزش کنند و هم پیامبر برای آنان طلب آمرزش کند در این موقع خدا را توبه پذیر و مهربان خواهند یافت. ممکن است گفته شود: توسل به دعای صالحان، در صورتی با توحید سازگار است که کسی که به او توسل می جویم از حیات و زندگی برخوردار باشد ولی انبیاء و اولیائی که از جهان رخت بر بسته اند چگونه می شود به آنان توسل جست؟ در جواب می گویم: مؤثر بودن توسل متوقف بر وجود دو شرط می باشد اول آن که انسانی که به او توسل می جویم دارای علم و قدرت باشد و دوم آن که متوسلان با او ارتباط برقرار کنند و در توسل به ائمه و اولیاء الهی هر دو شرط وجود دارد. زیرا حیات برزخی اصول مسلم قرآن است و قرآن شهدای راه حق را دارای حیات و زندگی معرفی می کند و می فرماید: ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون (۶) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند بلکه آنان زندگانند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. با توجه به این آیه وقتی شهدا از حیات برزخی برخوردار باشند، مسلما پیامبران و اولیای خاص الهی که بسیاری از آنان نیز شهید شده اند از حیات برخوردارند. با عنایت به برخوردار بودن آن ها از حیات و زندگی به طور طبیعی دارای شعور و قدرت نیز هستند، پس می توان به آن توسل پیدا کرد تا آن ها در درگاه الهی واسطه قرار گیرند و از خدا بخواهند تا دعای مؤمنان را اجابت کند.

۴- دوست داشتن پیامبر (ص) و ائمه (ع)

مهر ورزیدن و دوست داشتن پیامبر و اهل بیت آن حضرت که قرآن و سنت بر آن تأکید دارد. قرآن کریم در این باره فرمود: قل ان کان آبائکم و ابنائکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترتموها و تجاره اتخسون کسادها و مساکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبیله فترضوا حتی یأتی الله بامرہ و الله لایهدی القوم الفاسقین (۱) بگو: ای پیامبر اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و بستگان شما و اموالی که بدست آورده اید و تجارتی که از کساد آن بیم دارید و مسکن های مورد علاقه شما در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است، در انتظار این باشید که خدای سبحان عذابش را بر شما نازل کند و خدای متعال قوم فاسق را هدایت نمی کند. و در ارتباط با خاندان رسالت نیز

می بینیم خدای سبحان اجر رسالت پیامبر را محبت اهل بیت قرار داده است و فرمود: قل لاسألکم علیہ اجرا الا الموده فی القربی (۲) بگو من برای ادای رسالت خدا از شما پاداش نمی طلبم جز محبت ورزیدن به بستگان و نزدیکانم.

۵- اثر محبت پیامبر و اهل بیت (ع)

اثر محبت به پیامبر و اهل بیت آن است که محبت به انسان با کمال و با فضیلت، خود نردبان صعود به سوی کمال است، هر گاه انسان فردی را از صمیم قلب دوست بدارد. کوشش می کند خود را با او همگون سازد و آن چه که مایه خرسندی اوست انجام داده و آن چه او را آزار می دهد ترک کند و همین روحیه در آدمی موجب تحول شده و پیوسته او را وادار می دارد تا راه اطاعت را در پیش گیرد و از گناه پرهیز کند و اگر کسی با زبان اظهار محبت کند ولی عملا با او مخالفت نماید فاقد محبت واقعی است در شعری که به امام صادق نسبت داده شده آمده است:

تعصی الاله و انت تظہر حبه

هذا لعمری فی الفعال بدیع

لو کان حجب صادقاً لاطعته

ان المحب لمن یحب مطیع (۳)

خدا را نافرمانی می کنی و اظهار دوستی می کنی، به جانم سوگند این کار شگفتی است، اگر در ادعای خود راستگو بودی، او را اطاعت می کردی زیرا دوست و محب مطیع محبوب خود می باشد.

نتیجه گیری

آن چه از مباحث مطرح شده در آیه مورد بحث استنتاج می شود آن است که اولاً مؤمنان با توجه به هدف آفرینش خود که همانا تقرب به خدا و رسیدن به مقام لقاء الهی است باید بدانند رسیدن به این مقام به تدریج برای انسان حاصل می شود و ثانیاً باید بهترین زاد و توشه که تقوای الهی است فراهم نمایند و ثالثاً وسایل کافی و لازم را شناخته و در اختیار گیرند و در این رابطه از راهنمایی های پیشوایان تقوا بهره مند شده و از آن ها در راه رسیدن به مطلوب استفاده نمایند از ایمان الهی برخوردار شده و اعمال صالح و شایسته انجام دهند. از آموزه های قرآن برای کسب شرافت و رسیدن به نجات استفاده کنند و در نهایت با توسل به ائمه معصومین و اولیاء الهی در مقام عمل از آن ها تاسی نموده و محبت آن ها را در خود تقویت نمایند و از طریق وسیله قرار دادن آن ها در دنیا و دعایش به درگاه خدا مستجاب و با شفاعت آن ها در قیامت از عذاب الهی مصون بمانند و آن ها را نیز به اذن و مشیت الهی این وسیله بودن را اعمال می کنند و با محبت آن ها، آنان را الگوی خود قرار داده و آن چه که محبوب آن هاست انجام دهند و از گناهان پرهیز کنند که در واقع همه آن با جهاد و تلاش بدست می آید که نتیجه نهایی آن رستگاری در دنیا و آخرت است.

پی نوشت ها:

۱. سوره مائده، آیه ۳۵.

۲. سوره اعراف، آیه ۲۷.

۳. مفردات، ص ۵۶۱.

۴. بحار، ج ۹۶، ص ۲۶.

۵. نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۲۴.

۶. همان، ص ۶۲۷.

۷. سوره بقره، آیه ۲۵۵.

۸. سوره اعراف، آیه ۱۸.

۹. سوره نساء، آیه ۶۴.

۱۰. سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

۱۱. سوره توبه، آیه ۲۴.

۱۲. سوره شوری، آیه ۲۳.

۱۳. سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۹۹.

● اثر محبت به
پیامبر و اهل
بیت آن است که
محبت به انسان
با کمال و با
فضیلت، خود
نردبان صعود به
سوی کمال است

